بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اجرای حدود در زمان غیبت 2](#_Toc432191730)

[مرور بحث سابق 2](#_Toc432191731)

[آثار و فلسفه حدود 2](#_Toc432191732)

[روایات حرمت تعطیل حدود 2](#_Toc432191733)

[امر به شیء و نهی از ضد 3](#_Toc432191734)

[دو احتمال در باب نهی 3](#_Toc432191735)

[اتخاذ مبنا 4](#_Toc432191736)

[حرمت تأخیر اقامه حدود 4](#_Toc432191737)

[روایت اول 4](#_Toc432191738)

[روایت دوم 4](#_Toc432191739)

[طرو عانوین ثانویه در حدود 5](#_Toc432191740)

[قواعد عمومی حدود 5](#_Toc432191741)

# اجرای حدود در زمان غیبت

# مرور بحث سابق

در قبال اجرای حدود در زمان غیبت بحث کردیم، گرچه از حیث ارتباطش با ولایت‌فقیه می‌شد بحث‌های دیگری را آورد و آن بحث از جهتی خارج ازاینجا بود. آنچه در اینجا ثابت شد این است که اجرای حدود اختصاص به زمان حضور ندارد، در زمان غیبت هم اگر قدرت بر موضوع باشد اجراء می‌شود.

 مگر اینکه قدرت نباشد، یا اینکه عناوین مزاحم و ثانویه‌ای عارض شده و مانع از اجرای حد شود.

## آثار و فلسفه حدود

 چند مسئله دیگر باقی‌مانده که این‌ها را به نحوی امروز مطرح می‌کنیم. دو مسئله را قبلاً گفتیم که سریع به آن اشاره می‌کنیم. یک مسئله این است که در روایات ما علاوه بر تأکیداتی که بر اجرای حد، آثار، برکات مادی و معنوی که برای اجرای حد شده است، تأکیداتی هم بر حرمت تعطیل حدود شده است، آن‌طور که سابق جمع کردیم، شش اثر برای حدود ذکرشده است، قبلاً این را بحث کردیم و آثار فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی آن را برشمردیم.

این یک بحث بوده که گفتیم که از نگاه اسلام و در روایات ما و آیات، فلسفه مجازات‌های اسلامی و حدود تقریباً به شش امر کلی و کلان می‌رسد، فردی، جمعی، دنیوی و اخروی؛ دنیوی چه برای خود شخص چه برای غیر او باشد.

## روایات حرمت تعطیل حدود

در قبال حرمت تعطیل کردن حدود روایاتی واردشده است که در ابواب مقدمات حدود، صفحه 307 ذکرشده است.

**«یا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَّلَ حَدّاً مِنْ حُدُودِی فَقَدْ عَانَدَنِی وَ طَلَبَ بِذَلِک مُضَادَّتِی»[[1]](#footnote-1)**

دلالت التزامی این روایت این است که نمی‌توان اجرای حدود را متوقف نمود. اگر این روایات نبود نیز نفس تشریع احکام الزامی منطوی برنهی از ترکش است. بنابراین در خود خطابات حدود و ادله الزامی این دلالت نهفته است که ترکش جایز نیست. وقتی خداوند چیزی را واجب کرد، وجوب آن معنایش نهی از ترک است، حداقل حکم عقلی آن این‌طور است که نمی‌شود آن را ترک کرد و باید انجام داد.

 بعث منجز و الزامی معنایش این است که ترکش جایز نیست و لذا اگر این روایات هم نبود نفس تشریع احکام الزامی و بعث‌های الزامی منطوی برنهی از ترکش است، این روشن است. ولی در واجباتی به تکالیفی گاهی ما آن‌طرف قضیه هم داریم، یعنی در خود روایات آمده است و به همان مدلول حکم عقل تصریح‌شده است.

## امر به شیء و نهی از ضد

این مبحثی اصولی است که آیا امر به شیء نهی از ضدش را اقتضاء می‌کند یا خیر؟

این در اصول در بحث ملازمات مطرح است. در قبال وجوب مقدمه پنج قول وجود دارد، در امر به شیء نیز همین امر وجود دارد. در عنوان بحث معمولاً قائل می‌شوند که امر به شیء از باب وجوب تبعی نه استقلالی نهی از ضد را اقتضاء می‌کند یعنی در قبال آن دو امر وارد نشده و امری بسیط است.

## دو احتمال در باب نهی

در قبال نوع نهی نیز دو احتمال موجود است؛ یکی اینکه نهی عقلی باشد و نوع آن ارشاد به همان حکم عقلی است. و امری جدا از مصلحت ذی المقدمه در آن وجود ندارد. این احتمال نیز وجود دارد که کسی آن را مولوی برشمرد.

## اتخاذ مبنا

آنچه در اینجا اظهر است ارشادی بودن امر است و ثمره آن وجوب تأکید بر همان حکم گذشته است. به بیانی دیگر می‌توان گفت شارع در رساندن اهمیت امری به عباد خود از طرق گوناگونی استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها همین شیوه است همچنان که شیوه‌هایی همچون وعده عذاب نیز وجود دارد.

### حرمت تأخیر اقامه حدود

مطلب دیگری که سابقاً نیز بدان اشاره شد حرمت تأخیر اجرای حدود است که در مقدمات حدود، باب بیست‌وپنج دو روایت ذکر شد؛

### روایت اول

این روایت نیز ظاهراً معتبر است.

**«فَلَیسَ فِی الْحُدُودِ نَظِرَةُ سَاعَةٍ.»[[2]](#footnote-2)**

### روایت دوم

این روایت معتبره است؛

**«وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع إِذَا کانَ فِی الْحَدِّ لَعَلَّ أَوْ عَسَی فَالْحَدُّ مُعَطَّلٌ» [[3]](#footnote-3)**

طبعاً در اینجا فوریت عرفی مدنظر است. و این فوریت همان‌طور که تاکنون مکرراً بدان اشاره شد بنا بر مبنای تعدد مطلوب سازگار است نه وحدت مطلوب.

## طرو عناوین ثانویه در حدود

البته این نکته را هم بیفزاییم که این تأخیری که حرام است بدین معناست که واجب فوراً ففوراً است، این در شرایط عادی و طبیعی است والا ممکن است، عناوین و مصالح ثانوی و اموری وجود داشته باشد که به‌عنوان عناوین مزاحم و ثانویه تأخیر یا تعطیل را تجویز کند کما اینکه حتی در زمان خود ائمه طاهرین هم بوده است.

## قواعد عمومی حدود

ازجمله قواعد و مسائل عامه دیگری که در حدود وجود دارد این است که در حد نه شفاعت، نه کفالت و نه ارثی وجود ندارد. این، سه قاعده عمومی در باب حدود است که ان شاء الله در بحث‌های آینده بدان پرداخته خواهد شد.

1. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 187 [↑](#footnote-ref-1)
2. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 210 [↑](#footnote-ref-2)
3. من لا یحضره الفقیه؛ ج 4، ص: 50 [↑](#footnote-ref-3)